



با اسکن تصویر، می‌توانید این مقاله را در تارنمای مجله مشاهده نمایید.

وسعت مشرب: مشی کارگزاران تاجیکیه عصر صفوی

فاطمه رضوی^۱

چکیده

امراء محلی، دیوانیان، مستوفیان و کاتبان در ایران دوره اسلامی نقش مهمی در نگهداری از میراث، سنت‌ها، فرهنگ و اندیشه‌های ایرانی بر عهده داشته‌اند. این طبقه که معمولاً به‌عنوان دیوانیان شناخته می‌شوند، نقش واسط میان شاهان با بدنه جامعه را بر عهده داشته‌اند و اندیشه آن‌ها به‌عنوان اندیشه ایرانی شهری شهرت یافته است. در دوره صفویه طبقه دیوانیان و اهل قلم با عنوان تاجیکیه و ایرانی شهرت دارند و ایرانی بودن آن‌ها به اعتبار فارسی‌زبانی، نسب و زادبوم و حمایت از فرهنگ ایرانی است. سلوک و مشی طبقه تاجیکیه و اهل قلم، حریت و آزادگی، شادخواری، باطنی‌گرایی و اتصاف به کمالات اخلاقی است که مجموعاً با عنوان «وسعت مشرب» در آثار ادبی و تاریخی صفوی شناخته شده است. در این جستار سازه‌های مهم گفتمان وسعت مشرب را بیان نموده، بنیادهای ایرانی آن را واکاوی کرده‌ایم و با بازنگری در باورها و رفتارهای کارگزاران تاجیک دولت صفوی گفتمان وسعت مشرب را در سلوک آن‌ها بازیابی کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: دیوان‌سالاران صفوی، تاجیکیه، وسعت مشرب، فرهنگ ایرانی، لذت‌گرایی، اخلاق، حریت و آزادگی، باطنی‌گرایی.

نشریه علمی-جستارهای نوین ادبی، شماره ۲۱۲، بهار ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی

درآمد: دیوان سالاران وسیع مشرب تا دوام بخش راه دهقانان و وزیران

با پایان یافتن حاکمیت اعراب و ترکان بر ایران پس گذشت نهصد سال بعد از نابودی شاهنشاهی ساسانی، صفویه به‌عنوان یک دولت متمرکز از تبار ایرانیان توانست بر سراسر ایران فرمانروایی کند و اولین حکومت یکپارچه را بعد از اسلام در سرزمین پارس بنیاد نهاد. صفویه تجسم سیاسی از یک نسخه اسلامی ایده‌آلیسم ایران‌شهری است که همراه با تصوف ایرانی و علی‌گرایی در دولت صفویه نمود یافته است. در دوره استیلای اسلام در ایران تصوف، علی‌گرایی و اندیشه‌های ایرانی با یکدیگر ارتباط داشته‌اند؛ اما در عصر صفوی در سطح حاکمیت مطرح شده‌اند. از صور خارجی این سه‌گانه (تصوف، علی‌گرایی و ایرانی‌شهری) در سیاست صفویه، تبلیغ آیین فتوت و ابومسلم‌نامه‌خوانی، رواج شاهنامه (شاهنامه‌خوانی و تدوین نسخ گرانها)، برگزیدن اسامی فارسی، ترویج تقویم خورشیدی، زبان فارسی، دیوان‌سالاری ایرانی و از همه مهم‌تر ادعای مهدویت و الوهیت است که توسط شاه اسماعیل اول متبلور شد. همچنین شاهان صفوی جانشینی را بر اساس رابطه وراثت که در سنت پادشاهی ایرانی مرسوم بود، ادامه دادند و به این صورت سلسله خود را به دودمان تبدیل کردند.

باورهای ایرانی را، همسو با فعالیت‌های شاهان صفوی، اهالی فرهنگ مانند ادیبان و شاعران و نیز نمایندگان سیستم اداری و دیوانی ایرانی موسوم به اهل قلم یا طبقه «تاجیکیه» استمرار بخشیدند. اهالی قلم که شامل وزراء، امرای محلی، کاتبان، دبیران و مستوفیان عصر صفوی هستند، همچون ادوار قبل حامل و حافظ اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانی بودند. مؤلفی ناشناس در اواخر سلسله صفویه در یک مقایسه میان تاجیکیه و غیر تاجیکیه، توصیف روشنی از دیوان‌سالاران و سلوک اخلاقی آنان ارائه می‌کند:

«و چون منصب وزارت، اکثر اوقات به جماعت اهل قلم و نویسنده و تاجیک مرجوع می‌گردید و در هر زمانی که به غیر آن طایفه مفضول می‌شد مفساد عظیم در ضمن آن به ظهور می‌رسید و جهت آن بر ارباب فهم معلوم است، به سبب آنکه طبع غیر تاجیک اکثر به ظلم و جور و تعدی و بازیافت وجوهات بی حساب و خرابی رعیت راغب است؛ در طایفه تاجیک این‌گونه حالات کمتر می‌باشد و قطع نظر از آن، نویسندگی و فهم و دانش و کمال لازمه این منصب است و تاجیکان اوقات خود را به این‌گونه مراتب صرف نموده با غیر آن جماعت اوقات خود را اغلب صرف سپاهی‌گری و تاخت و تاراج نموده، فیما بین این دو طایفه تباین کلی هست» (مؤلف ناشناس، بی تا: ۵).

روش طایفه تاجیکیه، همان شیوه تفکر ایرانی است که اداره جامعه را بر بنیاد مدارا و مدیریت، صلح و آرامش، ظلم‌گریزی، پاسداری از زبان یکپارچه میان اقوام فلات ایران، حمایت از فرهنگ، ادب و هنر استوار می‌داشته است. مجموع این موارد در دوره صفویه به «وسعت مشرب» مشهور است. از همین روی فهم دقیق ساز و کار فرهنگ ایرانی در دوره صفوی نیازمند بازشناسی رفتار طبقه دیوانی و مشی وسعت مشرب آن‌ها است. برای این منظور پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

وسعت مشرب و گشودگی فکر طبقه تاجیکیه (اهل اندیشه و قلم) چه نمودهایی دارد؟ نقش دیوانسالاران صفوی در رواج مداراگری ایرانی چه بود؟ ریشه‌های فرهنگی و تاریخی اندیشه و مشی وسعت مشرب چیست؟

پیشینه تحقیق

در مورد نقش طبقه دیوانیان یا تاجیکیه در سیاست و نظام اداری صفوی سخن بسیار است. از آن جمله است کتاب «دیوان سالاری عصر صفوی» (فلور، ۲۰۰۱) که در سه فصل، مؤسسات، نهادها، ساختارها و نظامات حاکم بر دولت صفوی و کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و تغییر و تحولات درونی آن‌ها را بررسی کرده است و نیز مقاله «دیوان سالاری عصر صفوی» (شهیدی پاک، ۱۳۹۸) که نظام اداری صفوی را از مظاهر تفکر سیاسی اسلامی معرفی کرده است. در این جستار ما در جستجوی نقش فرهنگی طبقه دیوان سالار در دوره صفویه هستیم.

روش تحقیق و تحلیل

روش این تحقیق کتابخانه‌ای است. مراحل تحقیق این گونه است که پس از شناسایی امراء، وزراء و دیوانیان ایرانی که سهمی در حفظ فرهنگ و هویت ایرانی داشته‌اند، شیوه سلوک و مشی وسیع مشربی آن‌ها را که در زمره آفرینش‌های فرهنگ ایرانی در ادوار اسلامی است، بررسی خواهیم کرد و جغرافیای فرهنگی کارگزاران وسیع المشرب دوره صفوی را ترسیم کرده اهمیت آن را نشان می‌دهیم.

برای شناسایی کارگزاران ایرانی وسیع مشرب این نکته را مد نظر قرار دادیم که یکی از شیوه‌های مهم در شکل‌گیری هویت و فرهنگ، ایجاد مرز بین خود و دیگری است. در نوشته‌های تاریخی و ادبی، ایرانیان با کشیدن مرزهایی بین خود و بیگانگان، هویت خود را آشکار کردند. «ایران/ انیران» در اسطوره‌های ایرانی، «ایرانیان / تورانیان» در ادوار تاریخی و «ایرانی/ تازی» در دوره اسلامی از این تقابل سازی‌های هویتی بوده است. در دوره صفویه نیز «ترک/ تاجیک»^۱ دوگانه شکل‌دهنده فرهنگ و هویت ایرانی بوده است؛ بنابراین ما برای شناسایی گروه موسوم به تاجیکیه که حافظ و حامی فرهنگ و هویت ایرانی‌اند به تقابل ترک و تاجیک در منابع تاریخی، توجه کرده‌ایم. در کنار این تقابل، اشتها به «اهل قلم»، نسب و تعلق به اقوام ایرانی و فارسی‌زبانی کفایت که آن‌ها را ایرانی بدانیم.

متون و منابع ادبی فارسی - که به نسبت متون تاریخی زوایای شخصی‌تری از زندگی و شخصیت کارگزاران را بازنمایی می‌کند - اطلاعات ارزنده‌ای را برای شناخت سلوک و وسیع مشربی دیوان سالاران در اختیار ما قرار داده است؛ بنابراین اتکای عمده این تحقیق بر آنهاست.

۱. بحث بر سر واژه تاجیک و تبار آن فراوان است، برخی آن را از ریشه ایرانی «تاجیک» یا «تازیک» می‌دانند به معنی مردم اجنبی و برخی از ریشه عربی تازی (قبیله‌ای از اعراب با نام طای) (ورنر، ۱۳۷۹: ۵۱). با این حال تاجیک در دوره صفویه به عناصر ایرانی و فارسی‌زبان می‌گفتند که امور اداری و دیوانی را اداره می‌کردند.

وسعت مشرب: گفتمان مسامحه و تساهل

وسعت مشرب که به مشی آزادمنشانه در فرهنگ و ادب دوره صفویه اطلاق می‌شده به‌عنوان گفتمان ایرانی محل مناقشات سیاسی و اجتماعی فراوانی قرار گرفته است. کانون اندیشه وسعت مشرب در شعر و ادبیات شکل گرفته اما طرز زیست اغلب اهل قلم و طبقه تاجیکیه نیز بوده است. برخی از دیوانیان و تاجیکان به سبب شادخواری، نشست و برخاست با هر طایفه‌ای، عدم تعصب، مدارا و تسامح با لقب وسیع مشرب شناخته می‌شدند و گاه کار به اتهام تسنن، کفر و زندقه هم می‌کشیده؛ چراکه آن‌ها صراحتاً مذهب خود را بیان نمی‌کردند.

سازهای اصلی گفتمان وسعت مشرب عبارتند از: الف. اخلاق‌مداری و راست‌کرداری؛ ب. حریت، آزادگی، همزیستی اعتقادی و مصاحبت با همگان؛ ج. باطنی‌گرایی؛ د. شادخواری و دنیا‌مداری. وسعت مشرب باوری است آزادمنشانه که بر همسانی حقیقت نزد تمام فرقه‌های دینی، مذهبی، قومی و اجتماعی تأکید دارد. بیدل دهلوی شاعر وسیع مشرب هندی نزاع فرقه‌ای را خلاف عافیت می‌شمارد و مشرب را فراتر از قید مذاهب می‌داند:

در مشرب زن و از قید مذاهب بگریز عافیت نیست در آن بزم که سازش جنگ است
(بیدل، ۱۱۳۳: ۱۹۶)

و صائب تبریزی که اهل مشرب است با همه آدمیان با هر نوع باوری رفتار یکسانی دارد:

با خاص و عام یکرنگ، از مشرب رساییم بر خار و گل سمن ریز، چون نور ماهتایم
(صائب، ۱۰۸۷: ۵۹۷۰)

وسعت مشرب گستره‌ای از رفتارها از شادخواری و خوش‌باشی و بی‌قیدی گرفته تا مشی باطنی‌گری و کمالات و فضایل اخلاقی را در بر می‌گیرد. شیوه زیست اخلاقی در مسلک وسعت مشرب، تابعی از جهان‌بینی و رای تفاوت‌ها است و احکامی را برای ارتباط یک فرد با دیگران بر شمرده، شرایط زیست همگان را در یک جامعه بر مبنای صلح کل فراهم می‌کند:

چو دشت تنگی اخلاق زیب مشرب نیست جبین گرفته به دست گشاده دامن ما
(بیدل، ۱۱۳۳: ۳۶)

دیگر عنصر بارز و برجسته سلوک وسعت مشرب گرایش به می‌خواری، شادخواری، لذت و هوس‌بازی است. می‌مشرب، شراب زمینی است و هوس، لذت جسمانی و امیال نفسانی:

پاز عشرتخانه مشرب منه بیرون کلیم بزم می هر روز هست و روزه سی روز نیست
(کلیم کاشانی، ۱۰۶۱: ۲۹۲)

صاحب تاریخ حبیب‌السیر که وسعت مشرب را شراب‌خواری می‌داند درباره وسعت مشرب مولانا عبدالصمد شاعر اوایل قرن دهم هجری می‌گوید: «به جودت ذهن و حدت طبع سرآمد فضلالی آذربایجان است و به واسطه

وسعت مشرب احیاناً به شرب ماءالعنب اشتغال می‌نماید» (خواندمیر، ۹۴۲: ج ۳/۱۱۴). تقی کاشی نیز در شرح حال بابافغانی، سبب می‌نوشی او را وسعت مشرب بیان می‌کند: «چون بابای مشارالیه در وادی مشرب عالی افتاده بود و اکثر اوقات نیز از قید محبتی خالی نبود، لهذا بشرب مدام اشتغال می‌نمود» (تقی کاشی، ۱۰۱۶ رکن ۱-۴: ب ۱).

می‌خواری وسیع مشربانه یکی از راه‌های رهایی و دستیابی به ذوق و محبت تعبیر شده است. صوفیان باطنی‌گرا نیز رهایی از رنج هستی را در می‌خواری می‌بینند. تقی کاشی علت شراب‌خواری زیاد بابافغانی را، تشابه شراب صوری با محبت معنوی می‌داند و بنابراین هرچه می‌نوشی بیشتر باشد، محبت افزون‌تر گردد. کاشی از بابافغانی نقل می‌کند: «شراب صوری را با محبت معنوی مشابهتی تامست لاجرم مرا با وی انس تامست» (همان). بر همین اساس صفت «درویش مشرب»، «فانی مشرب»، «صافی مشرب» و... در دیوان شاعران و تذکره‌های ادبی، اشارت به گرایش‌های رهایی بخش وسیع‌مشربان است.

ریشه‌های ایرانی گفتمان وسعت مشرب

چهار مؤلفه اصلی گفتمان وسعت مشرب که در بالا برشمردیم، تداوم شیوه زیست و اندیشه ایرانی است^۱ که در تقابل با اخلاق زاهدانه و فردی، تک‌دینی، فرقه‌گرایی و آخرت‌گرایی قرار دارد و در ایران دوران اسلامی غالباً مشی و اندیشه نافذ در حاکمیت‌های سرزمین‌های فارسی‌زبان بوده است.

اصالت لذت و خوش‌باشی در گفتمان وسعت مشرب بر بنیاد اصالت دنیا و ملک در تفکر ایرانی شکل گرفته است. توأمان بودن ملک و دین در نظریه ایرانی شهری و مناسبات دین و دولت به امور دنیوی ارزش و اهمیتی به اندازه امور دینی داده و شاهان را به فراهم آوردن رفاه دنیوی مردم واداشته است. توجه اندرزنامه‌های فارسی بر خردگرایی، شراب‌خواری، اهمیت تدبیر منزل و اخلاقیاتی که بر پایه تهذیب و تزکیه نفس فردی و عافیت‌طلبی در دنیای بازپسین نیست، بر اهمیت آسایش دنیوی در تفکر ایرانی دلالت دارد. در این بین لذت‌طلبی خصوصاً می‌خواری که وسیع‌مشربان نیز بر آن تأکید دارند، در دوره اسلامی به‌عنوان سلوک ایرانی شناخته شده است. در منابع ادبی و تاریخی پیش از این دوره نیز شراب‌خواری رسم ایرانی قلمداد شده است. به‌عنوان نمونه در *مجمل التواریخ و القصص*، از معدود آثار باقی‌مانده قبل از حمله مغول در زمینه تاریخ ایران، آمده است زمانی که ابن شروین طبری، عبدالله برادر بابک را به اسارت به بغداد می‌برد، عبدالله از او خواست که به رسم ایرانی به او شراب نشاناند (ناشناس، ۵۲۰: ۳۵۷). شراب‌خواری در اندرزنامه‌های فارسی مانند سیاست‌نامه اثر خواجه‌نصیر، قابوس‌نامه عنصرالمعالی که بسط‌دهنده اندیشه ایرانی شهری در ادوار اسلامی اند بخش ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره شعر وسعت مشرب ر.ک. (رضوی و فتوحی، ۱۳۹۸)

همچنین در این آثار میراث اخلاقی فارسی‌زبانان در قالب اندرز، صیت، حکمت و ادب گسترده‌تر از اخلاق زاهدانه آخرت‌گرا و اسلامی است. هدف اخلاق اجتماعی در ایران باستان بهداشت روان در گیتی و مینو است که بر پایه کردار نیک و به‌دینی‌مزدیستی شکل گرفته است (نوبی، ۱۳۵۸: ۵۶۳).^۱ در این دین، هدف زندگی شاد شدن (اُشه‌مند) است؛ بدین معنی که مزدپرستان می‌بایست شادی را در جهان گسترش دهند، چراکه شادی به نیروهای نیک در نبرد با نیروهای شریر یاری می‌رساند. سلوک اخلاقی وسعت مشرب نیز بر همین پایه و اساس بنیاد نهاده شده است.

حریت و آزادی اصل مهم دیگری در گفتمان وسعت مشرب است و از این جهت مشی ایرانی است که در بین ایرانیان رواج داشت. مشخص نبودن دین و آیین و همزیستی اعتقادی که گاه با عنوان «بد مذهبی» و «بی مذهبی» نیز تعبیر شده حریت و آزادی است؛ آزادگان کسانی هستند که مذهب و باورشان مشخص نباشد و یا گرچه از نظر اعتقادی مسلمان، شیعه و سنی باشند، اما سلوک اسلامی، شیعی و سنی نداشته باشند. بعد از ورود اسلام به ایران و تعصبات دینی و فرقه‌گرایی مسلمانان، نوعی باور به تساهل دینی در بین ایرانیان نومسلمان پدیدار شد. اولین گروه در بین ایرانیان دهقانان بودند که با پذیرش دین اسلام، جان و مال و موقعیت سیاسی و اجتماعی خود و رعیتشان را حفظ کردند؛ اما همچنان بر باورهای پیشین خود استوار بودند. در دوره‌های اسلامی بسیاری بودند که به سبب عدم اعتقاد به مذهب رایج «بدمذهب» خوانده شده و با مزدکیان و خرم‌دینان که در زمره مذاهب ایرانی اند، یکسان شمرده می‌شدند (خواجه نظام الملک، ۴۸۵: ۲۳۰-۲۳۱) حکومت‌های ایرانی در عصر اسلامی که گرایش ایرانی داشتند مانند آل‌بویه نیز به مدارای مذهبی و دینی شهره بودند و در حکومت آنان بحث و تبادل نظر بین عالمان ادیان مختلف رواج داشته است (Kraemer, 1992: 280). از این روی آزادی و حریت در معنای تساهل دینی و همزیستی اعتقادی با دیگر باورها و ادیان، متعلق به فرهنگی است که ایرانیان در دوره اسلامی ایجاد کرده‌اند. در دوره صفویه این باور در گفتمان وسعت مشرب تداوم یافت.

باطنی‌گرایی دیگر ویژگی متمایز گفتمان وسعت مشرب در باورهای باطنی ایرانی و نهادهای صوفیه و قلندریه ریشه دارد. صفت باطنی در تقابل با ظاهری به معنی داخل و درون (در تقابل با بیرون) است و بر رازورزی اطلاق می‌شود. باطنی‌گرایی نیز به آموزه‌های رازآلود و سری دینی، فلسفی و عرفانی گفته می‌شود که به دنبال تقلیل مرارت و رنج آدمی است که در زیست این جهانی ریشه دارد و در بطن این هستی است. هدف این آموزه‌ها رستگاری و رهایی آدمی از رنج، چه در این جهان و چه در جهانی دیگر است. نتیجه حاصل از آن موجب شور و بی‌خویشی آدمی می‌گردد. طریق دستیابی به این رستگاری نیز متعدد است. دستیابی به معرفت در فلسفه یا انجام مناسک عبادی در ادیان و یا ذوق و خلسه عارف‌مسلمانان از راه‌های رستگاری قلمداد شده است. (Hanegraaff, 2006: 327-8)

۱. هومتة، هومتة، هورشته در زبان پهلوی به معنی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک است که هسته مرکزی باور زرتشتی است.

باطنی‌گرایی ایرانی نیز طرق مشخصی برای رستگاری تعیین کرده است. می‌نوشی، داغ‌کردن، پناه به جنون و دیوانگی و سفر از جمله راه‌های سعادت است که در آموزه‌ها و سلوک صوفیانه، قلندریه و ملامتیه مشهود است. صوفیان را غالباً درویش مشرب، فانی مشرب و دارای وسعت مشرب و مشرب عالی نامیده‌اند. شعر اهل مشرب نیز درد هستی‌شناسی را بر دوش می‌کشد و رهایی از درد این جهانی را در جنون، خانه به دوشی، سوختن و از همه مهم‌تر می‌خواری و لذت‌طلبی می‌بیند.

کارگزاران صفوی و تجربه وسعت مشرب

مشی وسیع مشربانه، بر اساس آنچه در بالا توضیح دادیم، در بین طبقه تاجیکیه اعم از کارگزاران سیاسی و امرای محلی حکومت صفوی دیده می‌شود و شخصیت آن‌ها را از دیگر طبقه‌ها متمایز می‌کند. نمودهای مشی وسعت مشرب آن‌ها عبارتند از:

• خوش خلقی و کمالات انسانی

منابع ادبی قرن نهم به بعد دو صفت «خوش خلق» و «نیکو مشرب» را هم‌پایه می‌آورند (نویسی، ۸۹۶: ج ۱/۲۶۷). یا وسعت مشرب را با «غایت فضیلت» و «کثرت کمال» و «غایت پاکی فطرت» وصف می‌کنند (اوحدی‌بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۱/۴۰۹). مثلاً بهرام میرزا صفوی حاکم مشهد را به بزرگی و صولت و داشتن کمالات اخلاقی ستوده‌اند: «والحق بهرام میرزا، شهزاده... صاحب کمال فضیلت و حالت، اخلاق و سیر و جامع فنون هنر [و] تمام در مردی و همّت [و] علم و کرم، مستجمع شمشیر و قلم» (اوحدی‌بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۲/۸۲۰). یا حاتم بیگ اردوباری وزیر بکتاش خان حاکم کرمان و وزیر اعظم و اعتمادالدوله شاه عباس (متوفی ۱۰۳۸ ق.) را «به غایت مردی خوش خلق، نیکونهاد، خیرخواه» معرفی می‌کنند (اوحدی‌بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۲/۱۱۹۷). حاتم بیگ، معروف به «نظام‌الملک ثانی» بود. پدرش ملک‌بهرام، که در زمان حکومت آق‌قویونلوها امور دیوانی را تجربه کرده بود، نخستین فرد از این خاندان بود که در زمان شاه‌اسماعیل، به منصب اداری (کلاتری اردوباد) برگزیده شد و در جنگ‌ها همراه شاه عباس بود. گرچه حاتم بیگ در امور نظامی نقش برجسته‌تری بازی کرده اما در همین جایگاه نیز در برکشیدن و قدرت بخشیدن به اهل قلم نیز نقش بسزایی دارد. او قدرت جنگجویان قزلباش از جمله طوایف افشار در کهکیلیویه (همان ۵۳۰)، ولی بیگ یوزباشی استاجلو و قاسم بیگ جلودار در سفر به هرات (همان: ۵۷۳) را فروکاست و دیوان‌سالاران را حمایت کرد. وصفی که منجم یزدی وقایع‌نگار شاه عباس اول از حاتم بیگ آورده نشان می‌دهد که دانش و فرهنگ و کمالات اخلاقی از اوصاف این سپهسالار است:

«بجز خیرخواهی عبادالله به چیزی راغب نه و فطانت و کیاست و جودت و فهم او به مرتبه‌ای بود که از هر علم که سخن به میان آمدی بی‌دخل موجه از خود راضی نمی‌شد... و در انشاء بنوعی بود

که مدعیان مُشکله... بزبان ترکی و عربی و فارسی بی تأمل و تفکر باندک زمانی قلم تقریرش بحیز تحریر در می آوردی... و با وجود رفعت شأن با خلق جهان در مقام تواضع بود و همت عالیش بمرتبه ای بود که از انبای روزگار پیشی گرفته بود» (منجم یزدی، ۱۰۲۹: ۳۸۲).

همین منجم، امیر نجم گیلانی را نیز چنین معرفی کرده: «از مکارم اخلاق و محاسن گفتار و کردار، قلوب طوایف امم به خود مایل گردانیدی و تخم نیک نامی در مزرع اندیشه خلق کاشتی» (جنابدی، ۱۰۳۶: ج ۳۰۵/۱). میرزا طاهر وحید قزوینی نیز «مجموعه کمالانش از زیب و زینت مستغنی» بود و به سبب «راست قلمی و درست اندیشی» مورد توجه شاه عباس ثانی قرار گرفت و عهده دار منصب واقعه نویسی و بعد وزارت شد (نصرآبادی، ۱۰۸۳: ۲۷). خوش خلقی و یکرنگی با همگان، اتصاف به مکارم اخلاق، راست کرداری و درست اندیشی این کارگزاران را به اخلاق وسیع مشربی متصف می کند.

• لذت گرایی: خوش باشی و شادخواری

برخی منابع ادبی وسیع مشربان را به «لوندی» و «شرب خمر» (کاشی، ۱۰۱۶: خ: ۲۷۹)، «بی قیدی» و «لوند مشربی» (کاشی، ۱۰۱۶: ک: ۶۴۷)، «لابالی مشربی» (وحید قزوینی، ۱۱۱۲: ۱۰۰۵) و «رند مشربی» (رازی، ۱۰۱۸: ج ۴۱/۱) وصف می کنند^۱. بنیاد این رفتارها بر پایه لذت گرایی است. خاندان کارکیا که امارت درالامرز گیلان را در دست داشتند، در زمره امیران وسیع المشرب بودند و دربار شاهانه و خسروانه آن‌ها محل تجمع بسیاری از شاعران و هنردوستان بوده است. تقی کاشی در وصف خان احمد گیلانی می نویسد:

«پادشاهی است درویش مشرب، قلندر مذهب، آینه دلش پاک از آثار ظلم و اعتساف و لوح ضمیرش صاف از رنگ غبار جور و تعدی و عدم انصاف... و در علم ریاضی و موسیقی دخل تمام داشت و به صحبت اهل عیش و سرور و شعرا و خوش طبعان توجه بیش از حد می گماشت» (کاشی، ۱۰۱۶: گ: ۶۷ و ۶۸).

۱. صاحب عرفات العاشقین رندی، لوندی و لابالی گری را یکی می داند (اوحدی بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۳۹۳۴/۶). معنای اولیه لوندی، گرایش به شادی، گردش و نشاط است. سوزنی سمرقندی نیز به این معنی اشاره کرده است: «مطرب بزم تو باد آنکه کند از فلک زهره نشاط زمین تا شود او را لوند» (به نقل از دهخدا: لوند). لوندی عیاری و سیاری نیز هست. اوحدی بلیانی در شرح صیادی رمالی او را «به غایت فهیم، سلیم، زکی، خوش طبیعت، رند، لوند، هرزه گرد، از خود گذشته» می داند که «با لوانید صفاها همیشگی به هرزه گردی و سیاری قیام و اقدام نمودی» (اوحدی بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۲۳۶۰/۴). خواندمیر نیز لوندی را با عیاری مترادف کرده است: «چون خزانه محمد امین از نقود مفقود شد آلات و ادوات سیمین و زرین را در سکه آوردند و... به عیاران و لوندان می دادند تا به دفع اهل طغیان اقدام نمایند» (خواندمیر، ۹۴۲: ج ۲/۲۵۰).

دنیامداری و شادی طلبی خان احمد و درویش مشربی و قلندر مذهبی، او را با طایفه وسیع مشربان همدل و همنشین می‌کرد. گیلان روزگار وی مقصد بسیاری از رجال دانش و ادب مطرود از دربار طهماسب بود؛ از جمله وسیع مشربان آزاداندیشی همچون حکیم کمال‌الدین حسین و میرزا محمد شیرازی، طبیبان شاه طهماسب که به دلیل شرب خمر و تجویز شراب از دربار طرد شدند به دربار خان احمد گیلانی پناه آوردند (اسکندریبگ، ۱۰۳۸: ج ۱/ ۱۲۳).

رکن‌الدین مسعود بن علی کاشانی از خاندان پزشکان برآمده بود، پدرش نظام‌الدین علی سه سال پزشک دیوانی شاه طهماسب صفوی بود. حکیم رکتا طبیب و شاعر دربار شاه عباس بود و در دربار «کمال قرب و نسبت به هم رسانید، چنان‌که از کثرت تقرب در سفر و حضر همیشه در رکاب دولت و سعادت به سر در خدمت می‌ایستاد» (فخرالزمانی، ۱۰۲۸: ۴۹۴). در تذکره میخانه جوانی او همراه «باده‌گساری» و «بی‌پروایی» توصیف شده است (همان) و در آخر امر که مزاج شاهی به اغوای حساد انحراف پذیرفته، حکیم راه هند پیش گرفته است (نصرآبادی، ۱۰۸۳: ۳۱۳). همچنین اسکندریبگ منشی، حکیم شفائی را «لوند مشرب» می‌نامد: «او از لوند مشربی ملازمت رکاب اشرف کمتر می‌نمود» (اسکندریبگ، ۱۰۳۸: ج ۱/ ۷۶۱). لوند مشربی، بی‌قیدی و لابلالی‌گری و پرداختن به امور نفسانی است.

سید علاء‌الدین حسینی معروف به «خلیفه سلطان» و ملقب به «سلطان العلماء»، وزیر شاه عباس اول و شاه صفی و از فرزندان امیر قوام‌الدین والی مازندران بود که از جانب مادر به سادات شهرستان نسب می‌رساند. وی «عالمی فاضل و محقق مدقق و از اکثر فنون با اطلاع بود، شعر می‌سرود و در فن انشاء و نامه نگاری مهارت داشت» (نصرآبادی، ۱۰۸۳: ۲۳). این وزیر، داماد شاه عباس اول نیز بود. به مدت هشت سال نیز وزارت شاه صفی را تا سال ۱۰۶۴ ق. را به عهده داشت (افندی، ۱۱۳۰: ج ۱/ ۷۶-۸۰). در نهایت به سعایت بدگویان از وزرات خلع شد و در دوره وزارت شاه عباس دوم به شرب خمر مشغول بود (نصرآبادی، ۱۰۸۳: ۲۳ و ۲۴).

۱. حکیم ابوالفتح گیلانی (۹۵۴-۹۹۷ ق.). فرزند مولانا عبدالرزاق گیلانی از دانشمندان گیلان، عهده‌دار منصب صدارت خان احمد کارکیا بود که پس از واقعه سرکوب حاکم گیلان، به اردبیل و پس از مدتی به هند گریخت و به خدمت اکبر شاه رسید. اکبر شاه به علت آشنایی او با آداب دربار، او را در منصب صدارت و مشاغل دیوانی گماشت. او که خود نیز سخنور چیره‌دستی بود و شعر می‌سرود، در هند به حامی فرهنگ و ادب فارسی تبدیل گردید و شاعران مهاجر وسیع مشرب را به دربار معرفی کرد؛ شاعران وسیع مشرب مانند عرفی شیرازی (نهایندی، ۱۰۴۵: جلد ۳/ ۴۷۹) و خواجه حسین ثنائی (خان آرزو، ۱۱۶۹ الف: ۳۱۷) به واسطه او به دربار اکبر شاه وارد شدند. صاحب تذکره الشعرا ملاعنایت فکری، شاعر گیلانی را که با محتشم کاشانی (شاعر وسیع مشرب) پیوسته مکاتبه داشته (کاشی، ۱۰۱۶ گ: ۱۰۱) از مخصوصان خان احمد می‌داند (نصرآبادی، ۱۰۸۳: ۷۳۳). کمال‌الدین حیاتی گیلانی از شاعران درگاه خان احمد پیوسته به کاشان (مرکز تجمع شاعران وسعت مشرب) رفت و آمد داشته، سپس رهسپار هند شده است (عظیم‌آبادی، ۱۲۳۳ ق: ج ۱/ ۱۹۵۷).

میرزا طالب فرزند حاتم بیگ وزیر معروف شاه عباس اول در سال ۱۰۱۹ ق. به جای پدر به وزارت نشست. آن‌ها از اخلاف خواجه نصیرالدین طوسی وزیر سلجوقیان و نظریه‌پرداز اندیشه ایرانی‌شهری بوده‌اند. میرزا طالب پس از یازده سال وزارت مغضوب شاه و معزول شد. علت برکناری میرزا طالب تمایل زیاد وی به شراب‌خواری و بی‌توجهی به وظایف وزیر اعظم ذکر شده است. میرزا طاهر وحید قزوینی وزیر دربار شاه عباس ثانی نیز به مشی می‌خواری و لذت‌طلبی وسعت مشرب اذعان دارد:

عاشقان را غیر مستی نیست سودای دگر نقد عمر خویشتن را صرف مشرب می‌کنند
(وحید قزوینی، ۱۱۱۲: ۶۹۲)

حکیم شفائی اصفهانی نیز از خاندان پزشک سر برآورده بود و به سبب خلیات و دانشش مورد احترام و توجه شاه عباس بود. وی نیز همچون حکیم رکنا طبابت و شاعری را هر دو با هم داشت و در نظر محققین «ذوالوجهین» و «ذواللسانین» خوانده می‌شد (کاشی، ۱۰۱۶: اص: ۳۲۵). افندی درباره او می‌گوید که از مطایبات خود اوست: «طبابت تبهر مرا در دیگر علوم پنهان داشته و سرایندگی من طبابت مرا پوشیده» (افندی، ۱۱۳۰: ج ۱/۲۵۶). هر دو استاد صنائب یعنی حکیم رکنا و حکیم شفائی از باده‌گساران وسیع مشرب بوده‌اند. شفائی در این باره می‌گوید:

آزادی دهر آن عَرَضِ جوهر مشرب نگذاشت به جای دگر از در مشرب
از میکده جز مست به دوشم نتوان برد سوگند به آن خاک نیاز و پر مشرب
(حکیم شفائی در کاشی، ۱۰۱۶: اص: ۳۲۴)

• باطنی‌گرایی: درویش‌مشربی و فانی‌مشربی

منابع ادبی و تاریخی عصر صفوی گرایش‌های صوفیانه، قلندری و ملامتی اهل مشرب را با تعبیر «درویش طبیعت» و «فانی مشرب» (نهایندی، ۱۰۲۵: ج ۳/۱۲۵۹؛ سام میرزا، ۹۷۳: ۲۶۴)، «فانی طبیعت»، «درویش مشرب» (نهایندی، ۱۰۲۵: ج ۳/۱۴۳۵؛ سام میرزا، ۹۷۳: ۱۰۳) و «بی‌تکلف مشرب» (همان: ۲۶۴) بیان کرده‌اند. امیرعلیشیر نوایی در شرح حال میرخواند وسیع‌مشربی او را با بی‌تعیینی و فنا مترادف کرده است: «با وجود کبر سن و علو نسب و کثرت حَب که همه موجب انسانیت است، آن مقدار بی‌تعیینی و فنا و مشرب دارد که زیاده بر آن متصور نیست» (نوایی، ۸۹۶: ج ۱/۹۴).

در بین کارگزاران و امرای محلی صفوی شخصیت وسیع مشرب بهرام میرزا مورد توجه تقی کاشی قرار گرفته است. صاحب تذکره ادبی خلاصه‌الاشعار در بخش خراسان او را «شاهزاده‌ای پسندیده ذات حمیده صفات درویش دوست فانی مشرب» می‌داند (کاشی، ۱۰۱۶: خ: ۲). فانی‌مشربی اشاره به سلوک باطنی در اندیشه وسعت مشرب دارد. باطنیان اهل تأویلند، به معنای ظاهری آیات، احادیث و احکام دینی بی‌توجه‌اند و بر معنای باطنی آن‌ها تأکید دارند؛ مثلاً «شراب صوری را با محبت معنوی [دارای] مشابهت تام» می‌دانند (تقی کاشی، ۱۰۱۶: رکن ۱-۴: ب ۱). از همین روی

خان احمدکارکیا حاکم گیلان نیز در عین حالی که به عیش و سرور مشغول بود، به صفت «درویش مشرب» متصف بوده است (کاشی، ۱۰۱۶ گ: ۶۷ و ۶۸).

همچنین خاندان میر میران یزدی از بزرگان طریقت نعمت الهی بودند که بعد از شاه نعمت الله ولی به ریاست طریقت او رسیدند و همچون اسلافشان با صفویه مصاهرت داشتند و حکومت و وزارت یزد را به عهده داشتند (واله اصفهانی، ۱۱۰۵: ۴۱۳). امیر نظام‌الدین، از نوادگان دختری شاه نعمت‌الله ولی مدتی وزیر شاه اسماعیل اول بود و در جنگ چالدران کشته شد. پسر او، نعمت‌الله باقی داماد شاه اسماعیل اول (همسر خانش بیگم) به حکم شاه طهماسب حاکم یزد شد. غیاث‌الدین محمد میرمیران پسر وی شاخص‌ترین فرد این خاندان است که درگاهش در یزد انجمن شاعران بوده و وحشی باققی و محتشم کاشانی نیز او را مدح کرده‌اند. درگاه وی مرجع بسیاری از ادب دوستان و خاندان وی ممدوح شاعرانی بوده که سلوک وسیع مشربی داشته‌اند؛ از این جمله است فاضل سعید از علمای یزد که اوحدی‌بلیانی او را «دانشمندی متبحر در غایت تنقیح» می‌داند (اوحدی‌بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۱۰۲/۲). فاضل سعید از شاگردان رشید میرزا مخدوم بن میر میران حسینی صفاهانی بود و سلوک وسیع مشربی داشت به این صورت که «سال‌ها رندانه مجرّدانه زیست کردی. با این همه حالت و استعداد و فضیلت، کمال رندی و لاابالی‌گری و هرزه‌گردی و عاشق‌پیشگی را از دست نگذاشتی. مدّت‌ها نزد پسری حلوانی عاشق بود و اکثر اوقات با لوانید و رونود از خود گذشته در میدان عراق به حوالی دکان وی فرش بودی و در اواخر حال از صفاهان به هندستان افتاد» (همان). در تاریخ عالم‌آرای عباسی اسکندربیک در ذکر رجال تاجیکیه بسیاری از آن‌ها را با لقب درویشی توصیف می‌کند. او درباره میر غیاث‌الدین محمود مستوفی الممالک معزول شاه طهماسب که در دوره شاه اسماعیل دوم به وزارت و منصب اعتمادالدوله برگزیده می‌شود، می‌گوید: «خالی از درویش‌نهادی و سلامت نفس و پرهیزگاری نبوده» (اسکندربیک، ۱۰۳۸: ج ۱۶۲/۱)؛ میرزا ابراهیم اصفهانی خوشنویس «قلندرروش صوفی منشی» (همان ۱۷۲) و ابوتراب نطنزی مستوفی «صوفی مشرب درویش‌نهاد» بوده است (همان ۱۶۵) و ... (همان ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۸۸).

ابوطاهر وحید قزوینی شاعر وزیر که نقطه عطفی در ادبیات گفتمان وسعت مشرب ایجاد کرده، حدود سال‌های ۱۰۵۲ ق. توسط خلیفه سلطان به‌عنوان دفترنویس و وقایع‌نگار شاه عباس ثانی به دربار وارد شده بود و در زمان سلطان حسین میرزا به وزارت رسید (همان و شاملوی هروی، ۱۰۸۵: ۷۱). وزارت و آگاهی او به علوم ایرانی در کنار درویش‌مشربی ملاطاهر در تذکرةالشعرا معرف شخصیت اوست: میرزا طاهر معروف به وحید قزوینی «به جمیع علوم خصوصاً هیات و هندسه آراسته و ملایم و درویش مشرب است. حسب‌الامر وزارت عالیجاه، ناظر بیوتات به ایشان مرجوع است» (نصرآبادی، ۱۰۸۳: ۱۱۵). همچنین خاندان وی نیز از دیوانیان درویش مشرب بودند. میرزا امین برادر وحید قزوینی جوان صاحب کمال پاکیزه‌طینت درویش‌مشربی است» (همان: ۱۱۵) و میرزا نورا از دیگر

مصاحبان میرزا طاهر «جوان صاحب کمالی است در کمال وسعت مشرب به همه جهت محبوب و مرغوب... طبعش کمال شوخی و تازگی دارد» (همان: ۴۵۷)^۱

در دوره صفویه درویشی و صوفی مشربی و به‌طور کلی گرایش‌های صوفیانه به مسئله پیچیده‌ای تبدیل شده بود و باورها و سلوک صوفیه به انواع مختلفی دسته‌بندی می‌شد. در مهم‌ترین دسته‌بندی‌ها، تصوف همسو با ایدئولوژی تشیع صوفیه که مورد حمایت قزلباش و فقها بود در یک سو و دیگر فرق صوفیه که باورها و سلوک پیشین خود را دنبال می‌کردند در سویی دیگر قرار داشتند و نهادهای قدرت در صدد حذف آن‌ها برآمده بودند؛ به طوری که تصوف‌ستیزی، به سیاست مهم جماعت قزلباش، فقها و مجتهدین درباری مبدل شده بود. قزوینی در فوائدالصفویه نشان می‌دهد که چگونه مراسم یاهو کشی و می‌خواری صوفیان توسط شاگردان ملاباقر مجلسی برانداخته شد:

آنچه ملاباقر مجلسی که آستان آن حضرت بود عرض می‌نمود به اجابت مقرون بود. [شاهسلطان حسین] در اکثر امور ملکی و مالی به صلاح‌دید فضلا و علما می‌فرموده طریقه صوفیه که اطوار و اشعار سلسله علیّه صوفیه بود برانداخت و هرشب جمعه مشایخ صوفیه جمع شده با خلفا و امراء جد کرده و یاهو می‌زدند، موقوف فرمود ... در مرتبه که کارخانه‌های کوزه‌گران هر جا سبونی دهن تنگی به نظر شاگردان ملا محمدباقر درآمد، شکسته تادیش چنان کردند که در هنگام وزیدن باد از دهن کوزه‌ها آواز هو برمی‌آمد و این آواز یاهو زدن شیوه صوفیان است (قزوینی، ۱۲۱۱: ۷۸-۷۹).

فیضی کاشانی در رساله‌ای با نام محاکمه بین الصوفیه و غیرهم که یکی از بسیار رساله‌ها در رد صوفیان است دلایل فقیه متعصبی را مبنی بر برحق بودن فقها و ضلالت صوفیان بیان می‌کند؛ از جمله اینکه صوفیان قرآن را به آواز بلند و با آهنگ و رقص می‌خوانند، اشعار مشتمل بر وصف و خط و خال و کمر باریک و عشوه و ناز می‌گویند و عبادت چله‌داشتن را وضع کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۰۵۲: ۱۳۰-۱۳۱). تعریف صوفی در نظر این فقیه این‌گونه است: «او هرکس به اوصاف شنیعه مذکوره باشد در این زمان و در ازمنه سابقه او را صوفی می‌گویند... با آنکه این جماعت قایلند بحقیقت مسلک مجتهدین امامیه را و بالضرورة بحسب ظاهر انکار آن نمی‌توانند نمود که اگر انکار کنند ایشان بکفر و الحاد موصوف خواهند شد و بر ایشان خطر عظیمی خواهد بود... و یک طایفه دیگر هستند از علما فلاسفه که اسمشان را حکیم صوفی می‌نامند و ایشان به وحدت وجود قایلند و جمیع ظواهر را در باب شیطان و صراط و میزان و بهشت و نیران را همه تأویل می‌کنند و علما منکرند این طایفه را» (همان). از این عبارات می‌توان دریافت که درویشان و صوفیانی که باورهای باطنی، تأویلی و وحدت وجودی دارند و به موسیقی، شعر و حکمت

۱. میرزا فصیح برادر بزرگ وحید قزوینی که در سلک شاعران نصرآبادی است، نیز مدتی وزارت میرزا طالب خان اعتمادالدوله را به عهده داشت (نصرآبادی، ۱۰۸۳: ۱۱۳)؛ میرزا یوسف نیز برادر دیگر وحید قزوینی که به تحریر ارقام پادشاهی همت گماشته بود (همان: ۱۱۴)؛ میرزا امین برادر دیگر وحید قزوینی جوان صاحب کمال پاکیزه طینت درویش مشربی است» (همان: ۱۱۵). میرزایحیی همشیره زاده وحید «در زمان شاه عباس ثانی وزیر محال زراعت ارامنه و بعد وزیر مازندران شده به سعایت بدگویان مؤاخذه و معزول شد» (همان: ۱۱۸).

متمایلند مورد تأیید نهادهای قدرت صفوی نیستند و به شیوه‌های گوناگون از جمله اتهام الحاد حذف می‌شوند. میرلوحی در سلوة الشیعه نیز فاعل غنا و شنونده آن را از صوفیه و سگی از سگان محمود پسیخانی می‌نامد (میرلوحی سبزواری، ۱۰۶۰: ۳۵۲). اینکه میرلوحی صوفیه را با نقطویه یکی می‌داند بی‌وجه نیست. چراکه نقطویان از فرق صوفیه بودند و مشی درویشانه داشته‌اند. آن‌ها همچنین دشمن جدی حکومت صوفیه محسوب می‌شدند.

در منابع تاریخی، درویشی، قلندری و نقطویه به‌عنوان فرقه‌ای ضاله با وسعت مشرب یکسان انگاشته شده است. اسکندریبگ در واقعه دفع فتنه درویش خسرو نقطوی قزوینی و مریدانش به این همسانی اشاره می‌کند: درویش خسرو «بکسوت قلندری و درویشی درآمد و مدتها سیاحت نموده با جماعت نقطویان آمیزش کرده در آن شیوه بقدر استحضاری بهم‌رسانده بتوسعه مشرب اشتها یافت» (اسکندریبگ، ۱۰۳۸: ۴۷۳).^۱ نقطه وصل درویشی، وسعت مشرب و نقطویه باورهای باطنی و تصوف غیر اثنی عشری است که می‌خواری، موسیقی و غنا، حکمت، شعر عاشقانه را مجاز می‌داند. درویش مشربی و صوفی مشربی کارگزاران تاجیکیه که با لابلای گری و لوندی (اوحدی بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۱۲۱۰/۲)، عیش و سرور (کاشی، ۱۰۱۶ گ: ۶۷ و ۶۸) و تمایل به شوخی (نصرآبادی، ۱۰۸۳: ۴۵۷) همراه بوده، از همین نوع است.

• باور به حریت و آزادگی

گفتیم که حریت و آزادگی به معنی تساهل، مدارا و عدم تعصب در دین و اعتقاد است. تسامح در باورها در کنار مشخص نبودن گرایش‌های مذهبی و عدم التزام به مذهب مشخص از مشخصات وسعت مشرب است. از نتایج اعتقاد به آزادگی، همزیستی اعتقادی، هم‌صحبتی و هم‌نشینی با همه آدمیان بدون توجه به اعتقاد و گرایش فکری آنان است. سام میرزا در تذکره تحفه سامی این مطلب را به خوبی بیان کرده است. وی درباره مولانا فخرالدین علی از اکابر زمان شاه طهماسب که به وعظ مردم می‌پرداخت می‌گوید: «در اثنای وعظ گفت: اگر از جانب شیعیان سخن می‌گویم سنیان را بد آید و اگر از طرف اهل سنت حرفی می‌گویم امامیه را خاطر می‌رنجد حال آنکه نه سنی‌ام و نه شیعه... [سام میرزا:] مذهبی این حال داشت، اما مشربش عالی بود» (سام میرزا، ۹۷۳: ۱۰۲)، هلالی جغتایی شاعر وسیع مشرب در آخر عمر «میان شیعه مشهور به تسنن بود و عبیدالحان از یک او را کشت که شیعه است» (همان: ۱۳۹). قاضی محمد غفاری قاضی از اکابر دربار شاه طهماسب به «خوش صحبتی و حرافی و جذب خواطر

۱. در ادامه آمده که درویش خسرو برای خود درگاهی ساخت و با طبقات مردم آشنایی و معاشرت می‌یافت و سخن در باب سلوک می‌گفت. عالمان که به او مظنون بودند و از قدرت او می‌ترسیدند هیچ خلاف شرعی در او نمی‌دیدند تا اینکه از طریق جاسوسانی «... بتفحص حال او پرداختند خم‌های شراب در تکیه‌اش یافت شد بظهور پیوست که از وسعت مشرب و بداعتقادی رسوم شرع را منظور نمی‌دارند و نقطوی بودن او از غایت اشتها در محکمه باطن مبارک اشرف درجه ثبوت یافته بود جهة ترویج شریعت غرا حکم بقتلش فرموده» (همان: ۴۷۴).

یگانه» (سام میرزا، ۹۷۳: ۱۱۰) مشهور بوده و در مدتی که قضاوت ری را به عهده داشته «با تمامی ارکان دولت مصاحب و از شدت قرب مشرب از ایشان حاصل المآرب» بوده است (همان).

از توصیفی که مورخان از وزیر شاه اسماعیل امیرنجم‌الدین مسعود داده‌اند می‌توان دریافت که او نیز به حریت وسعت مشرب متصف بوده است. به گفته نویسنده حبیب‌السیر «امیر صافی ضمیر» چون به «فضایل نفسانی اتصاف داشت... و بحلاوت گفتار و محاسن کردار از امثال و اقران ممتاز بود همواره تخم جود و احسان در زمین طوایف انسان می‌کاشت باندک زمانی اعتبار و اختیار بسیار پیدا کرد» (خواندمیر، ۹۳۰: ۲۳۱۷). از این گفته چنان بر می‌آید که وی با همه مصاحبت داشته است. همچنین به گفته نویسنده روضه‌الصفویه «از مکارم اخلاق و محاسن گفتار و کردار، قلوب طوایف امم به خود مایل گردانیدی و تخم نیک نامی در مزرع اندیشه خلق کاشتی» (جناب‌دی، ۱۰۳۶: ج ۳۰/۵). همزیستی با همگان، اتصاف به فضایل نفسانی، خوش صحبتی از سلوک وسیع مشربی اوست که بر بنیاد باور حریت و یکسان‌بینی همه عقاید و باورها (و بالتبع عدم تعصب) استوار است.

افندی در تاریخ الفی درباره قاضی جهان وزیر شاه طهماسب می‌گوید که او در بین ارباب علم و کمال جایگاه عالی داشته است (افندی، ۱۱۳۰: ج ۴/۴۹۸). خاندان ادب‌پرور او سهم بسزایی در بازپروری فرهنگ ایرانی داشتند.^۱ قاضی جهان در نهایت مورد غضب شاه طهماسب قرار گرفته از وزارت کناره‌گیری می‌کند. سبب طرد او از دربار طهماسب اتهام تسنن بوده است. اوحدی‌بلیانی ماجرا را این‌گونه بازگو می‌کند:

«در زمان شاه طهماسب به سبب معاندت بعضی از علمای قشر [ی] به نسبت تسنن منسوب شده متهم گردیدند، لهذا به نظر قهر آن شه‌ریار درآمده محبوس و مقهور گردیدند، پس در مجلس آن حضرت حین اجلاس با جمیع علما و فضلا در مسائل فقهی و غیره مباحثات کرده در همه بر همه‌غالب و فائق آمدند و هیچ کس بر ایشان لازم نیارست آوردن» (اوحدی‌بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۶/۳۴۲۳).

به گفته اوحدی‌بلیانی با وجود اینکه او آگاهی فقهی کافی داشته، اتهام تسنن از سوی علمای قشری و به سبب معاندت و دشمنی آنان به او نسبت داده شده؛ بنابراین معلوم می‌گردد که مثنی و سلوک دینی او فرای مذهب‌ها بوده است.

۱. فرزند وی شرف‌جهان قزوینی شاعر معروف طرز و قویع است. اوحدی‌بلیانی او را «به غایت خوش طبیعت، خوش فهم» می‌داند (اوحدی‌بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۴/۲۱۲). قاضی روح‌الله (متوفی ق. ۹۴۲) برادر او و از بزرگان و شاعران قزوین بوده است (همان: ج ۳/۱۶۲۷). پسر دیگرش میر‌عبدالباقی نیز از شاعران مشهور بوده که بلیانی از آن‌ها یاد کرده است (همان). امیر عبدالکریم و امیر حسین دخترزاده‌های وی نیز در نام‌های شاعران گیلان بودند (سام میرزا، ۹۷۳: ۳۰). میرزا مخدوم شریفی دخترزاده وی در دربار بود و صاحب فهم و کمال و فطرت عالی داشت، وعظ می‌گفت و خوش محاوره بود و جمعیتی عظیم پای منبر او بودند «چون متهم به تسنن بود از حضرت شاه جنت بارگاه زیاده توجه و التفاتی نمی‌یافت... در زمان اسماعیل میرزا اعتبار تمام یافته نصف صدارت به او تفویض یافت» اما بجهت غلوی و بی ملاحظگی در بیان مذهب تسنن از صدارت معزول گردید» (اسکندریبگ، ۱۰۳۸: ج ۱/۱۱۰).

بارزترین نمود حریت را در شخص شاه عباس اول نیز قابل طرح است. دوره حکومت وی به گشایش و تساهل مذهبی مشهور است. گفته‌اند آزادی و تساهل دینی او در سیاست خارجی وی آشکار است (سیوری، ۱۹۸۶: ۹۰). مشی تساهل و حریت در بین ملازمان شاه عباس نیز دیده می‌شود؛ زیرا مجتهدان و علمای معتدل مانند شیخ بهایی؛ ملاصدرا، میرداماد و میرفندرسکی و دانشمندان هنردوست مانند حکیم شفائی، حکیم رکن، ملانجم‌الدین محمد منجم یزدی و ملاکمال منجم و نیز شاعران وسیع‌المشرب مانند مولانا عتابی و ملاحیدر معمایی از همراهان همیشگی وی بودند. فتوای شیخ بهائی برای معالجه بیماری علامه تقی مجلسی در سال ۱۰۲۷ ق. از نمودهای تسامح فقهی این دوره است. شیخ بهایی تجویز شراب از سوی پزشکان دربار را مجاز می‌داند و علامه پس از شش ماه شرب شراب سفید نظنز شفا می‌یابد (قاضی بن کاشف، ۱۰۳۷: ۳۰-۳۱). شاه عباس به همین طیب دستور تألیف کتابی در منافع شراب و طرز تهیه آن داده است.^۱

در کنار سیاست تساهل مذهبی، سلوک وسعت مشرب در شخصیت شاه عباس نیز دیده می‌شود و از او یک وسیع مشرب جبار ساخته است. گفته‌اند شاه عباس دو خلق متفاوت داشته و به دمدمی مزاجی مشهور بوده است: «این شهریار کامگار برخلاف قاعده اهل روزگار آب و آتش را با یکدیگر امتزاج داده، ضدین را با هم جمع نموده‌اند. چنانکه کمال حدت طبع و آتش مزاجی و قهاری و عظمت و شکوه و جلال پادشاهی را با نهایت ملایمت و مهربانی و درویش‌نهادی و بی‌تعینی جمع کرده‌اند» (اسکندریبگ، ۱۰۳۸ به نقل از فلسفی، ۱۳۴۷: ۷۷). اگر از شخصیت جباری و قهاری او که در جایگاه پادشاه قدرتمند ضروری می‌نموده چشم‌پوشی کنیم، او از جهت بی‌تکلفی، آمیزش و همصحبتی با همگان و ملایمت و درویش‌نهادی، به روش وسیع‌المشربی گرایش داشته است. اسکندر بیگ درباره این وجه از شخصیت او می‌نویسد که «هنگام ملایمت و کوچک‌دلی چنان بی‌تکلفانه و مخصوصاً به مردم و اهل عظماء و ملازمان و غیرذلک، خصوصیت و آمیزش می‌نمایند که گویی برادران و یاران یکدیگرند» (همان). او به گفته صاحب عرفات‌العاشقین به رندی و لایبالی‌گری نیز متصف بوده و از این جهت نیز وسیع مشرب بوده است: «نهایت ابهت و جلال را با غایت رندی و بی‌قیدی و لایبالی‌گری جمع کرده بود» (اوحدی‌بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۵/ ۱۸۸۲). از معانی رندی، لوندی و لایبالی‌گری همنشینی با همگان و عدم التزام به آداب خاصی است. صاحب عرفات در شرح مولانا محمود آدمی یزدی این معانی را به روشنی بیان می‌کند: «از رندان مفرد خوش طبع لوند هرزه‌گرد همیشه در ته

۱. در پایان این کتاب که با نام جام جهان‌نمای عباسی، مشهور است، این رباعی آمده:

این جام که فرموده عباس شه است
هر قطره از او به عالمی فیض ده است
جستم ز خرد چو سال تاریخش گفت:
از جام جهان‌نمای جمشید به است
(قاضی بن کاشف، ۱۰۳۷: ۱۷۴)

میدان فرش با صلحا و فسقا رفیق بوده، به غایت بی تکلف و تصلّف» (اوحدی بلیانی، ۱۰۲۴: ۵۹۸)؛ بنابراین حریت و آزادگی در معنای تساهل دینی و آمیزش با همگان در سلوک و وسیع مشربانه شاه عباس تبلور یافته است. منابع صفوی درباره آزادگی در رفتار خلیفه سلطان وزیر شاه عباس سخنی نگفته‌اند اما او را به سبب خاندان ادب پرورش که مشی وسیع مشربی نیز دارند، برجسته کرده‌اند. خاندان خلیفه سلطان به شاعری شهرت داشتند. شمخال بیگ از خانه‌زادها و شاگردان وی (نصرآبادی، ۱۰۸۳: ۲۱۱)، سلیمان شاگرد دیگر وی مدتی وزارت میرزا مهدی را به عهده داشته (همان ۲۶۲)؛ محمد داوود توپسکانی (همان ۲۸۷)؛ میرزا صبحی شاعری از دیار مازندران، اهل موسیقی طیب و حکیم حاذق، در لباس فقر بی تعلق و عالم گرد و از خویشان خلیفه سلطان (همان ۶۱) از این جمله‌اند. علاوه بر این افراد نصرآبادی از شاعری به نام میرزا محمد رضا نام می‌برد که خلیفه سلطان او را به‌عنوان وکیل برای فرزندش برگزیده بود و در توصیف وی می‌گوید: «به سبب وسعت خلق و آدمیت و اهلیت محبوب القلوب دور و نزدیک و ترک و تاجیک بود» (همان ۱۸۶). محبوب قلوب بودن نزد ترکان که دشمنان تاجیکان بوده‌اند نهایت وسعت مشرب میرزا محمد رضا را نشان می‌دهد؛ بنابراین تربیت و انتخاب شاگردان و موکلانی که بی‌تعلق‌اند، دارای سلوک قلندرانه (عالم‌گردی)، وسعت خلق و آدمیت‌اند و محبوب قلوب دور و نزدیکند، همه نمودهایی از وسعت مشربی خلیفه سلطان است.

میرزا طاهر وزیر شاه عباس ثانی نیز به مشی حریت و آزادگی وسعت مشرب اعتقاد داشته است. مضامینی مانند ابیات زیر که شرع را در تقابل با مشرب قرار می‌دهد و مشرب را فراتر از مذاهب می‌بیند، بسیار است:

ز شش سو بسته راهش را خیالت دل دیوانه‌ام مذهب ندارد
 برون از تنگنای شرع رفتم چو دیدم وسعت مشرب ندارد

(وحید قزوینی، ۱۱۱۲: ۵۹۰)

در جدول زیر فهرست کارگزاران ایرانی دربار صفوی به همراه گرایش وسیع‌مشربی آنها آمده است:

نام	منصب	مکان	زمان	گرایش وسیع‌مشربی
امیرنجم‌الدین گیلانی (ف ۹۱۵)	وکیل نفس نقیس همایون	دارالسلطنه	شاه اسمعیل	اخلاق / آزادگی
قاضی جهان قزوینی (ف ۹۶۸)	وزیر	دارالسلطنه	شاه طهماسب	آزادگی / خاندان وسیع مشرب
سام میرزا، بهرام میرزا سلطان ابراهیم میرزا	حاکمان خراسان	خراسان	شاه طهماسب	اخلاق / اهل عشرت / باطنی‌گرایی

خانندان میر میران	امیر یزد	یزد	شاه طهماسب	باطنی گرایبی / عشرت طلبی
احمدخان کارکیا (متوفی ۱۰۰۵)	حاکم گیلان	دارالمرز گیلان	شاه طهماسب	اهل عیش / درویش مشرب
خلیفه سلطان (متوفی ۱۰۶۴)	وزیر	دارالسلطنه	شاه عباس، شاه صفی، شاه عباس دوم	خانندان وسیع مشرب
حاتم بیگ (متوفی ۱۰۱۹)	اعتمادالدوله	دارالسلطنه	شاه عباس	اخلاق / می خواری
میرزا طالب (متوفی ۱۰۴۴)	اعتمادالدوله	دارالسلطنه	شاه عباس و شاه صفی	اخلاق / می خواری
حکیم شفائی (متوفی ۱۰۳۸)	طیب	دارالسلطنه	شاه عباس	عشرت طلبی (می خواری و لوندی)
حکیم رکنا (متوفی ۱۰۶۶)	طیب	دارالسلطنه	شاه عباس	عشرت طلبی (می خواری و لوندی)
شاه عباس اول (متوفی ۱۰۳۸)	پادشاه	دارالسلطنه	شاه عباس اول	آزادگی / لاابالی گری
وحید قزوینی (متوفی ۱۱۱۲)	مجلس نویس / وزیر	دارالسلطنه	شاه عباس ثانی	اخلاق / می خواری / آزادگی / دوریش مشربی

جغرافیای دیوان سالاران وسیع مشرب: خراسان، یزد و گیلان

علاوه بر دارالسلطنه صفوی (قزوین و اصفهان) که مجمع سران قدرت و دیوانیان بوده، امرای محلی در سه حوزه خراسان، گیلان و یزد حامیان فرهنگ‌های ایرانی و فارسی بودند و گرایش‌های وسیع مشربی آنان، زمینه را برای رشد وسعت مشرب در درون حاکمیت صفوی فراهم کرده بود. سابقه فرهنگی این سه منطقه در کنار تلاش حاکمان آن‌ها برای استقلال از حکومت مرکزی زمینه مساعدی برای دانشمندان و ادیبان فراهم می‌کند که به فعالیت فرهنگی بپردازند. شاهزادگان صفوی (سام میرزا، بهرام میرزا و ابراهیم میرزا) که ادامه‌دهندگان سیاست‌های ایرانی شاه اسماعیل بودند در خطه خراسان مهد تمدن فارسی^۱؛ خانندان کارکیا خصوصاً خان احمد گیلانی در گیلان، کانون دیرینه شیعیان

۱. بهرام میرزا علاقه فراوان به هنر و ادب داشت تا آنجا که در مشهد کتابخانه‌ای برای اهل هنر و علم فراهم کرده بود. نام بهرام میرزا در تحفه سامی در قسمت شاعران بخش شاهان ذکر شده است. بهرام میرزا در سال‌های بعد و در برخی از شهرهای دیگر از جمله گیلان (ادامه ←)

به‌خصوص زیدیه؛ و خاندان میر میران (از جمله امیر غیاث الدین)، اخلاف شاه نعمت الله ولی و میراث‌دار تصوف نعمت اللهی در یزد مهد دیرینه دین زرتشتی مهم‌ترین این کارگزاران بودند. حوزه فعالیت این امراء از نظر سیاسی نیز مناطق حساس محسوب می‌شد. شورش سام میرزا بر شاه طهماسب زمانی که والی خراسان بود و زندانی شدن در قلعه قهقهه، ارتباط خان احمد گیلانی با عثمانیان و سودای استقلال گیلان که شاه طهماسب آن را سرکوب کرد، آغاز حکومت شاه عباس در خراسان قبل از مرگ شاه محمدخدا بنده پادشاه رسمی ایران، سودای به دست گرفتن قدرت صفوی توسط میرغیاث الدین میر میران یزد و شورش او که توسط شاه عباس سرکوب شد (جنابدی، ۱۰۳۶: ج ۱/ ۶۷۹) از جمله استقلال‌طلبی‌های حاکمان این مناطق بود که موجب ایجاد حوزه‌های امنی برای فعالیت‌های فرهنگی ایرانی به دور از قدرت مرکزی که سیاست ایدئولوژی مذهبی را دنبال می‌کردند، شده بود.

در این بین جابجایی و حرکت دانشمندان، دیوانیان و شاعران به‌عنوان حاملان فرهنگ ایرانی و باور وسعت مشرب بین مناطق و دارالسلطنه حائز اهمیت است. امیر نجم گیلانی، ملا منجم یزدی کارگزاران دربار و بهرام میرزا که هم والی خراسان بود و مدتی هم والی گیلان از این مناطق برآمده‌اند.

حکیم کمال‌الدین حسین شیرازی که به طبیب «صاحب مکارم اخلاق» مشهور بوده است (بدائونی ج ۱۶۴/۳؛ اسکندر بیگ ج ۱۲۳/۱؛ افندی، ۱۱۳۰: ج ۱۳۹/۲) در آغاز کار طبابت طبیب مرتضی اعظم شاه نعمه الله یزدی بود که بعد درگذشت وی، از طبیبان شاه طهماسب قرار گرفت و «از آنجاکه به وسعت مشرب معروف و ضمناً متهم به باده گساری بود، مورد بی مهری تهماسب قرار گرفت» (افندی، ۱۱۳۰: ۱۳۹). توصیف صاحب تاریخ عالم‌آرای عباسی از این واقعه نیز این‌گونه است: «چون بتوسعه مشرب مشهور گشته بطریق ارباب ریا زهدفروش نبود باحتمال ارتکاب شرب خمر که اطباء بجهت صحت ابدان عموماً جایز می‌شمارند از شاه جنت مکان زیاده توجهی نمی‌یافت و در زمان نواب سکندر شأن ملازمت خان احمد گیلان اختیار نموده» (اسکندر بیگ، ۱۰۳۸: ج ۱/ ۱۲۳). حکیم که به هند نیز رفته در زمره شاعران مآثر رحیمی با تخلص دوائی ذکر شده است (نهایندی، ۱۰۲۵: ج ۱/ ۵۳۲). قاضی جهان قزوینی نیز زمانی که از وزارت شاه طهماسب کناره‌گیری می‌کند نزد احمدخان کارکیا در گیلان می‌رود و برخی از خاندانش که به‌عنوان شعرای گیلان به ثبت رسیده‌اند (سام میرزا، ۹۷۳: ۲۳).

تقی کاشی در شرح مولانا شرف رشکی شاعر سبزواری نقشه حرکت بین این مناطق را رسم کرده است. مولانا رشکی در سلک شاعران سلطان ابراهیم در خراسان بود و «در بسیاری از فضایل و حیثیات اظهار وقوف می‌نمود و در

نیز حکومت داشت (جنابدی، ۱۰۳۶: ج ۱/ ۸۱۰). فرزند وی سلطان ابراهیم میرزا (متوفی ۹۸۵ ق.) متخلص به جاهی نیز در زمان شاه طهماسب حاکم خراسان گردید و دوازده سال در این منطقه حکومت کرد. وی بیش از پدر و عم خود صاحب و حامی هنر و فرهنگ ایران بود. صاحب تذکره ادبی عرفات العاشقین در این باره می‌گوید: «شهرت او در ادراک و دانش و حالت [و جمعیت علم] و جامعیت فضل و هنر و کمال از حد و عدّ افزون‌تر است. زمان او بویی از زمان میرزا ابوالغازی سلطان حسین میرزا می‌داده و الحق در تربیت فضلا و شعرا و ارباب استعداد بوده. کم‌هنری مانده که وی را مهارتی تمام و وقوفی مالا کلام در آن نباشد. (بلیانی، ۱۰۲۴: ج ۱/ ۱۰۳۲/۲)

وادی لوندی و مشرب درجهٔ علیا داشت... و ابواب احسان و انعام شاهزاده بر وی روان بود» (کاشی، ۱۰۱۶:خ: ۲۷۹)؛ بنابراین سلطان ابراهیم او را به کاشان^۱ فرستاد و او در کاشان «آغاز لوندی و هرزه گردی کرد و به شرب مدام مشغول شد و به واسطه وسعت مشرب اوقاتش را صرف می‌کرد و تخم جود و سخا در زمین اهل طرب و عیش می‌کاشت. بعد از قتل سلطان ابراهیم میرزا توسط شاه اسماعیل دوک مولانا از کاشان به گیلان گریخت و در آنجا وفات کرد» (کاشی، ۱۰۱۶:خ: ۲۸۰).

امیر رفیع الدین حیدر معمایی نیز از شاعران بی تکلف کاشان بود که بعد از شهرت به موطن خود یزد بازگشت و «به شرف منادمت و مداحی خاندان شاه نورالدین نعمت الله ولی... و امیر غیاث الدین محمد میر میران مشرف گشته... مدت‌ها در دارالعبادهٔ یزد به فراغت گذرانید و باقی ایام جوانی را به عیش و سرور به پایان رسانید» (کاشی، ۱۰۱۶: ی: ۴) تقی کاشی می‌گوید که به شرب مشغولی می‌نمود و دائم الاوقات جام عیش و طرب از دست ساقیان نوش لب می‌گرفت و هر شب در منزلی با جمعی از اهل مشرب» می‌گذرانید و در همین راه نیز جان داد (همان).

دست‌آورد تحقیق

گفتمان وسعت مشرب، نوعی سلوک ایرانی در عصر صفوی است که کارگزاران دیوانی از جمله وزراء، امرای محلی و ملازمان شاهان صفوی در بازپروری آن نقش مؤثری داشته‌اند. این کارگزاران در جایی میان رعیت و سلاطین ایستاده‌اند و اصول مدیریت آن‌ها بر بنیاد باور به وسعت مشرب بوده است؛ اصول وسعت مشرب عبارتند از گشودگی فکر، خوش‌باشی، اخلاق‌مداری، آزادگی، مردم‌داری و مدارا. دیوان‌سالاران صفوی همچون خاندان‌های دهقانان ایرانی به سلامت، امنیت، رفاه و انتظام اجتماع ایرانی می‌اندیشیدند و می‌کوشیدند رعیت را با همین سلوک به حاکمیت وفادار سازند. یک دیوان‌سالار یا دهقان باید به وسعت مشرب آراسته باشد تا بتواند تنوع‌های فکری، اعتقادی، قومی، نژادی پارسی‌زبانان را بشناسد و با آن‌ها تعامل کند. از سوی دیگر فقیهان و زاهدان سختگیر، در مقام نهادهای قدرت جامعهٔ صفوی، رقیب گفتمان وسیع‌مشربی بودند؛ آن‌ها بر خلاف وسیع‌مشربان، جهان بیرون از مرزهای نظام عقاید فرقه و مذهب خود را به رسمیت نمی‌شناختند. شاهان صفوی آنگاه که در تبعیت محض فقها بودند، مانند دوران شاه طهماسب، فضا بر آزاداندیشان وسیع‌مشرب تنگ می‌شد و آنگاه که از فقها فاصله می‌گرفتند، مانند دورهٔ شاه عباس اول، آزادی عمل بیشتری نصیب اهل مشرب و دیوان‌سالاران وسیع‌مشرب می‌شد.

۱. کاشان به این جهت که انجمن‌های شعری مهمی در آنجا شکل گرفته در جغرافیای شعر وسعت مشرب جایگاه بس مهمی دارد اما به این علت که تمرکز این جستار بر مشی وسعت مشرب در بین کارگزاران سیاسی بوده است، دربارهٔ این منطقه سخنی نگفته‌ایم.

کتابنامه

- اسکندریبگ، منشی ترکمان. (۱۰۳۸). تاریخ عالم‌آرای عباسی. جلد ۱. تهران: چاپخانه موسوی. ۱۳۳۴.
- افندی، عبدالله (۱۱۳۰). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. جلد ۲. مترجم شاعدی خراسانی محمدباقر. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی. ۱۳۹۰.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد. (۱۰۲۴). عرفات العاشقین و عرصات العارفين. تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری، آمنه فخر احمد؛ با نظارت علمی محمد قهرمان. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب. ۱۳۸۹.
- بدائونی، عبدالباقی. (۱۰۰۴). منتخب التواریخ. کلکته ۱۸۶۸ مصحح احمدعلی و ولیم ناسیلیس.
- توی، احمد بن نصرالله (۱۰۰۰). تاریخ الفی. مصحح طباطبایی مجد غلامرضا. تهران انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۸۲.
- تفضلی، احمد. (۱۳۷۶). دهقان. مترجم ابوالفضل خطیبی. نامه فرهنگستان. بهار ۱۳۷۶ - شماره ۹. صص ۱۴۸ تا ۱۵۵.
- جنابدی، میرزا بیگ بن حسن. (۱۰۳۶). روضة الصفویه. بی جا. بی تا.
- خواجہ نظام‌الملک، ابوعلی. (۴۸۵). سیاست‌نامه. تصحیح محمد قزوینی و مرتضی مدرسی. تهران: زوار. ۱۳۴۴.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی. (۹۳۰). تاریخ حبیب‌السیور فی اخبار افراد بشر. زیر نظر محمد دبیر ساقی. تهران: کتابخانه خیام. ۱۳۳۳.
- رازی، امین احمد (۱۰۱۸). تذکره هفت آقلیم. تصحیح جواد فاضل. تهران: علمی. ۱۳۴۰.
- رضوی، فاطمه؛ فتوحی، محمود. (۱۳۹۸). «وسعت مشرب، پاسخ فرهیختگان شاعر به سیاست‌های صفویه». شبه قاره (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان). شماره ۹. صص ۹-۴۹.
- سام میرزا صفوی. (۹۷۳). تحفه سامی. تصحیح و تعلیقات فاطمه انگورانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ۱۳۸۹.
- سوندرمان، ورنر. (۱۳۷۹) «یک گواهی کهن درباره نام تاجیکان». ترجمه فریدون مجلسی. هستی. دوره دوم. شماره ۴ (زمستان ۱۳۷۹).
- سیوری راجر. (۱۹۸۶). در باب صفویان. ترجمه رمضانعلی روح‌الهی. تهران: نشر مرکز. ۱۳۸۰.
- شاملو، ولی قلی بن داودقلی. (۱۰۸۵). قصص الخاقانی. تصحیح حسن سادات ناصری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات. ۱۳۷۴-۱۳۷۱.
- صائب تبریزی، محمدعلی. (۱۰۸۷ق). دیوان اشعار. تصحیح محمد قهرمان. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. جلد ۱-۶.
- فخرالزمانی قزوینی، ملانی. (۱۰۲۸). تذکره میخانه. تصحیح احمد گلچین معانی. تهران: شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکا. ۱۳۴۰.
- فلسفی، نصرالله. (۱۳۴۷). زندگانی شاه عباس اول. جلد ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۰۵۲). رساله محاکمه بین المتصوفه و غیرهم. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. نشریه دانشکده ادبیات تبریز. س ۹. ش ۹. صص ۱۱۳ تا ۱۲۴.
- قاضی بن کاشف محمد (۱۰۳۷). جام جهان‌نمای عباسی. تصحیح علی حصوری، اوپسالا: انتشارات دانشگاه اوپسالا، ۲۰۱۴ م.

- قزوینی، ابوالحسن بن ابراهیم. (۱۲۱۱). فواید الصغویه. به تصحیح، مقدمه و حواشی مریم احمدی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۷.
- کاشی، تقی‌الدین محمدبن علی. (۱۰۱۶ ش). خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار (بخش شیراز و نواحی آن). تصحیح نفیسه ایرانی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب. ۱۳۹۲.
- کاشی، تقی‌الدین محمدبن علی. (۱۰۱۶ اص). خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار بخش اصفهان. تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب. ۱۳۸۶.
- کاشی، تقی‌الدین محمدبن علی. (۱۰۱۶ خ). خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار بخش خراسان. تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب. ۱۳۹۳.
- کاشی، تقی‌الدین محمدبن علی. (۱۰۱۶ رکن ۱-۴). خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار رکن ۱-۴. نسخه خطی. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. شماره کتاب ۱۰۴ ب-ادیات.
- کاشی، تقی‌الدین محمدبن علی. (۱۰۱۶ ک). خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار بخش کاشان. تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب. ۱۳۸۴.
- کاشی، تقی‌الدین محمدبن علی. (۱۰۱۶ گ). خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار (شعرای گیلان و دارالمرز مازندران). تصحیح ام‌البنین صادقی. تهران: سفیر اردهال. ۱۳۹۲.
- کاشی، تقی‌الدین محمدبن علی. (۱۰۱۶ ی). خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار (بخش یزد، کرمان و نواحی). تصحیح سیدعلی میرافضلی. تهران: میراث مکتوب. ۱۳۹۵.
- کلیم کاشانی، ابوطالب. (۱۰۶۱ ق). دیوان ابوطالب کلیم همدانی. تصحیح محمد قهرمان. مشهد: آستان قدس. ۱۳۶۹.
- گوپاموی، محمد قدرت‌الله خان. (۱۲۵۸ ق). نتایج الافکار. تصحیح یوسف بیگ باباپور. قم: مجمع ذخایر اسلامی. ۱۳۸۷.
- منجم یزدی، ملاجلال‌الدین (. ۱۰۲۹). تاریخ عباسی / روزنامه ملاجلال. تصحیح سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید. ۱۳۶۶.
- منشی قمی، احمد بن حسین. (۱۰۱۵). گلستان هنر. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۶۲.
- میرلوحی سبزواری، محمدهادی. (۱۰۶۰). سلوة‌الشیعه و فوة‌الشریعة. دفتر دوم. به کوشش احمد عابدی. قم (مرعشی): میراث اسلامی ایران. ۱۳۷۳.
- ناشناس. (۵۲۰). مجمل‌التواریخ والقصص. به تصحیح محمدتقی بهار. ویراستاری علی اصغر عبداللهی. تهران: دنیای کتاب. ۱۳۸۳.
- ناشناس، القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه. یوسف رحیم‌لو. مشهد: دانشگاه مشهد. ۱۳۷۱.
- نصرآبادی، محمد طاهر. (۱۰۸۳). تذکره نصرآبادی: تذکره الشعرا. تصحیح و تعلیقات محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر. ۱۳۷۸.
- نوبی، ماهیار. (۱۳۵۸). مجموعه مقالات. ج ۱. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- نوبی، امیرعلیشیر. (۸۹۶). مجالس النفائس. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: منوچهری. ۱۳۶۳.
- نهادندی ملا عبدالباقی. (۱۰۲۵). مآثر رحیمی. تصحیح محمد هدایت حسین. کلکته: ایشیاتیک سوسائتی آف بنگال. ۱۹۲۴ م.
- واله اصفهانی، محمد یوسف. (۱۱۰۵). خلد برین (ایران در روزگار صفویان). به کوشش هاشم. تهران: محدث. ۱۳۷۲.

- وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر. (۱۱۱۲ ق). دیوان وحید قزوینی. تهران: کتابخانه، موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۴.
- Kraemer, Joel. (1992). *Humanism in the Renaissance of Islam: The Cultural Revival During the Buyid Age*. Brill; Rev ed. Edition.
- Floor, Willem. (2001). *Safavid Government Institutions*. Mazda pub.
- Hanegraaff, W. J. (2006). 'Esotericism'. in W. J. Hanegraaff (ed., in collaboration with A. Faivre, R. van den Broek, J.-P. Brach). *Dictionary of Gnosis and Western Esotericism*. Leiden/Boston, Brill: 336–40.